

پرده نقره ای

معرفی برگزیدگان جشنواره بین المللی فیلم کوتاه تهران



سی و هفتمین جشنواره بین المللی فیلم کوتاه تهران بر گزیدگان خود را شناخت. مراسم اختتامیه سسی و هفتمین جشنواره بین المللی فیلم کوتاه تهران دوشنبه ششم بهمن ماه با حضور تعدادی از سینماگران ومسئولان کشوری در مرکز همایش های مجتمع ایران مال برگزار شد.این جشنواره در حالی به کار خود خاتمه داد که به خاطر شیوع کرونا به صورت ترکیبی از آنلاین و غیر آنلاین برگزار شد. در میان آثار شرکت کننده در بخش ملی و بین الملل، فیلم کوتاه «اسب سفید بالدار» به کارگردانی مهیار ماندگار به عنوان بهترین فیلم در بخش مسابقه ملی سینمای ایران شناخته شد و جایزه بهترین کارگردانی فیلم داستانی را نیز از آن خود کرد. این فیلم بیست دقیقه ای درباره مردی است که در جست و جوی عشق دوران کودکی اش به زادگاه جنگ زده اش بازمی گردد، جایی که دختری، بیست سال پیش از او خواسته بود اسب سفید بالدار بشود. «اسب سفید بالدار» واخر سال گذشته در جشنواره فیلم برلین در بخش نسل ۱۴plus و واخر سال گذشته در جشنواره فیلم برلین در بخش بهترین فیلم کوتاه تقدیر شد.فهرست برندگان سی و هفتمین جشنواره بین المللی فیلم کوتاه تهران به این شرح است:
بهترین فیلم در بخش مسابقه سینمای ایران: حمیدرضا زبیر برای تهیه کنندگی فیلم «اسب سفید بالدار»
جایزه بزرگ جشنواره در بخش بخش بین الملل: رضا فهیمی برای «سفید پوش»
از ایران بهترین کارگردانی فیلم داستانی: مهیار ماندگار برای «اسب سفید بالدار»
بهترین کارگردانی فیلم تجربی: کمال کوئینان برای «آدایت»
بهترین کارگردانی فیلم مستند: آرمان قلی پور دشتکی برای «فرزندان خوینسار»
بهترین کارگردانی فیلم پویانمایی: مونا عبدالله شاهی برای «آتش سرخ»
بهترین فیلمنامه: صمد علیزاده برای «ناهید»
بهترین فیلمبرداری: وحید بیوته برای «جبرئیل»
بهترین تدوین: بابک بهرام بیگی برای «فرزندان خونبار»
بهترین صدا: محمدحسین مهر جوو سید محمد کشفی برای «خوناب»
ادبیلم افتخار بهترین نوآوری و خلاقیت در ویژگی های بازیگری، موسیقی، عنوان بندی، جلوه های ویژه، طراحی صحنه و لباس و...: لعلیا نصیری برای «ناهید»
بهترین فیلم مضمون هویت ملی و افزایش سرمایه های اجتماعی: علیرضا کلوپان راد برای «من ایرانی ام»
بهترین فیلم در بخش کووید-۱۹: «آن سبزی» به کارگردانی شهاب آب روشن
بهترین مستند بخش بین الملل: «کاک نیوج» به کارگردانی جمشید فرج وند فردا
بهترین فیلم کوتاه انیمیشن: «کاندلا» از اسپانیا
بهترین فیلم کوتاه داستانی: «دایی» از غنا.

تجسمی

معرفی مفاخر هنرهای تجسمی در جشنواره فجر



امسال در بخش تجلیل از مفاخر هنرهای تجسمی در جشنواره هنرهای تجسمی فجر از ۹ نفر از اساتید پینکتو و فعال رشته های مختلف هنرهای تجسمی تجلیل می شود. به گزارش هنر آنلاین، این هنرمندان عبارتند از: جعفر نجیبی در رشته مجسمه و سرامیک، احمد علی الدی نیا در رشته کاریکاتور، سعید زاقی در رشته تصویر سازی، گارنیک در ها کوپیان در رشته نقاشی، خشایار قاضی زاده در رشته نگارگری، احمد آقاقلی زاده در رشته گرافیک، یعقوب آژند در رشته پژوهش، محمد حسین حیدری در رشته عکاسی و محمد سلحشور در رشته خوشنویسی. سیزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر بهمن ۹۹ در فرهنگستان هنر، موسسه صبا برگزار می شود.

از اینجای نامه سمندریان سر کوهی راه باد نقد می گیرد که او در این دوره سکوت کرده است و حق سکوت نداشته است. اومی گوید «چطور بعضی خبر های کم اهمیت تر را می شنوید به موقع سرو صدا هم می کنید، چطور است که وقتی یک مصاحبه لازم دارید، به یاد مامی افتید و پاشنه تلفن ما را از جا می کنید؛ ولی وقتی به مصاحبه دست یافتید و چند نفر را به جان مآنداختید که پوستمان را بکنند، آن وقت خودتان کنار می نشینید و سکوت می کنید؟»

اینجا میانه نامه است. خودش می نویسد در این میانه اعتراض کرده تا «عقد دام» را خالی کنم. دوباره رندی می کند و زبان تعریض پیشه می کند. به جشنوار ه ا می رسد و می نویسد «یکی از اقداماتی که انجام می دهند کمک به رشد روز افزون جشنواره تئاتر است. هر ساله، هر ماهه، هر هفته، هر روز در کنار و گوشه مملکت یک جشنواره تئاتر بر پاست... عشق و شور مجریان بر نامه ها و هیجانات غیر قابل انکار شان تنها جنبه مثبت این جشنواره هاست و جز این هیچ، بودجه ها مصرف می شود، عده ای مسئول از مرکز به دنبال انتخاب برنامه می افتند و از مدتی پیش از شروع جشنواره به تلاشی دست می زنند که عبث است.»

او سپس سراغ تئاتر دانشگاهی می رود و می نویسد چرا دانشگاه باز دهی ندارد. «استادان ضعیف تر از آنند که صلاحیت تدریس داشته باشند و صرفاً بر مبنای ضرورت و احتیاج انتخاب شده اند... دانشجویی که در کلاس های دانشگاه درباره راز و رمز بازیگری پیشرفته و ارزش های یک بازیگر بزرگ مطلبی شنیده، در هیچ صحنه ای اثری از آن شنیده ه انمی باید که هیچ، کار از این بدتر هم می مشود: بی ارزش ها و کم اعتبار ها – که صحنه ها را تپول خود کرده اند – کم کم ذوق اجتماعی را پایین می آورند.»

ادامه دارد...

شکسته بودند، در حال حاضر دیگر معنا و مفهومی ندارند. خاصه خرجی ها بر طرف شده، عدالت جای بی عدالتی را گرفته و حق به حق دار می رسد و کلمه تبعیض را فکر می کنم کم از لغت نامه های تئاتر بیرون بکشند.» قابل توجه آنکه در پایان دروه صدارت میر سلیم در تالار وحدت با هنرینهای که هیچ گاه مشخص نشد، محمود عزیزی نمایش «سردار سازندگی» را در ۱۳۷۶ روی صحنه می برد تا شاید گفته های سمندریان رنگ و بوی متفاوتی بگیرد.

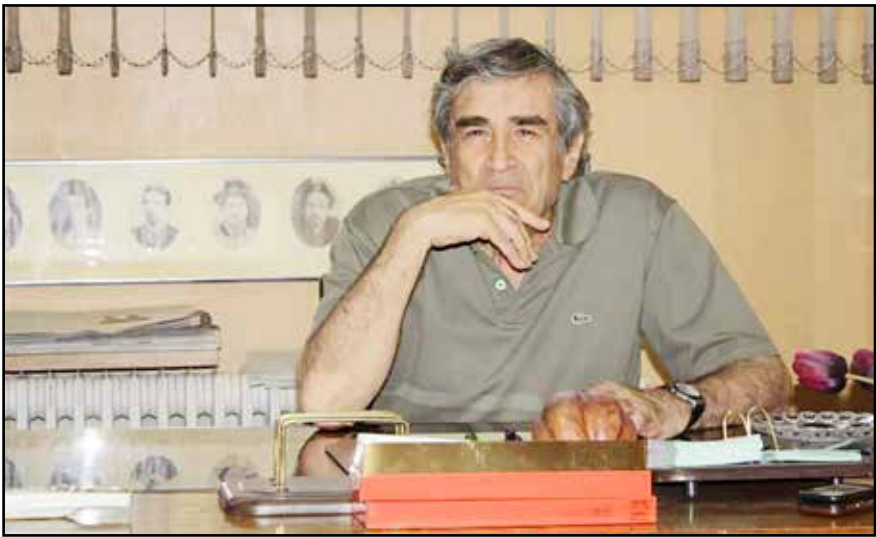
سمندریان در این نامه به لغو اجرای خودش هم می پردازد و می نویسد «زعما پشت دستشان را داغ کرده اند که یا با گروهی قرارداد اجرای نمایش نبیندند و یا اگر بستانند، دیگر آن را یک طر قه لغو نکنند. این همان اتفاق بر سر و صدایی بود که بین مرکز هنر های نمایشی و بنده اتفاق افتاد.» در اینجا سمندریان به سر کوهی هم حمله می کند و می نویسد «البته آن قدر ها هم پروسه رسد نبود، و گر نه بالاخر به گوش شما هم می رسید و لااقل قلم بر می داشتند و سه چهار تابدو بیراه به بدقول ها و جرز ن ها می گفتید.»

اشاره سمندریان به نمایش «دایره گچی قفقازی» است که گویا تر جمه آن در آغاز انقلاب منجر به اتهاماتی علیه اش می شود؛ و این وجود او برای اجرای ش مصر است تا در نهایت در ۱۳۷۷ آن را در تئاتر شهر روی صحنه می برد. گویا قرا بود این نمایش در زمان علی منتظری اجرا شود، چنانچه سمندریان می نویسد «دوبار از این سه بار در زمان سرپرست پیشین مرکز هنر های نمایشی بود» که با وجود صداقتش نتوانست نمایش نامه مذکور را روی پایباور دوبار سوم تقاضا از طرف تالار وحدت بوب که من استقبال کردم و قرار داد بین من و مدیریت تالار به امضا رسید، اما ناگهان پس از پنجاه جلسه تمرین یکی از همین زعماء قرا داد را یک طرف بر هم زد و تمام اعتراض من و ۵۷ بازیگر این نمایش به جایی نرسید.»

دیگر دست و بال مجریان را کاملاً باز گذاشته و آزادی مطلق را چنان اعمال می کند که خود بچه ها کم کم ناراحت شده اند و شنیده ام حتی بعضی از آنها شخصاً به بخش «تصویب متن» مراجعه و اعتراض کرده اند که این همه آزادی عمل یعنی چه؟»

باید دقت داشت اشاره آقای سمندریان به یکی از سیاه ترین دوره های تئاتر ایران بازمی گردد. زمانی که سید مصطفی میر سلیم زعامت وزارت ارشاد را بر عهده داشت و موجبات حذف علی منتظری از مرکز هنر های نمایشی را فراهم کرد. آمدن منتظری به تئاتر منجر به تولید اولین نمایش پس از انقلاب سمندریان، «از دواج آقای می سی سی پی» می شود. سمندریان تا پایان دوره میر سلیم موفق به تولید اثری نمی شود و با آمدن حسین سلیمی به مرکز هنر های نمایشی است که او «دایره گچی قفقازی» را می سازد. میر سلیم بعدها در برنامه «شناسنامه» شبکه سه به بسته بودن فضا در دوران خود اعتراف می کند.

ادامه نامه سمندریان به موضوع سانسور اختصاص می یابد و او مدام می گوید اساساً دیگر خبری از سانسور نیست؛ ولی واقعیت چیز دیگری است. به تعریض می گوید «اگر در حال حاضر نمایش ارزنده ای بر صحنه نمی بینید، علتش را در خود تئاتری ها جستجو کنید.» سمندریان حتی گفته های پیشین خود در مصاحبه های گذشته را نقض می کند و می گوید «تبعیض، بی عدالتی، خاصه خرجی، خیف و میل و کلماتی از این قبیل که در مصاحبه های قبلی من رکورد کلمات تکراری را



می کند، بدون آنکه به پرسشی پاسخ بدهد. زبان نامه، زبان تعریض است. سرشار از کنایه هایی که نامه را به یک کمدی سیاه بدل می کند. زبان تلخ و اندکی نزدیک به محاوره، نامه سمندریان را خواندنی می کند. او با تردند ف شبیه به مدح می نویسد «عاملان نالایق از صدر تصمیم گیری های تئاتر برداشته شده اند و جای آنها اشخاص خوش نیت با لیاقت و کفایت به کار گمارده شده اند. سالن های تئاتر در اختیار گروه های ارزنده و کارگردان های ممتاز قرار گرفته و آنها هم با روحیه ای بسیار شاد به خلاقیت های نمایشی فوق تصور پرداخته اند و دیگر ملالی ندارند جز فرسودن بودن ابزار فنی و امکانات صوتی و توری محل هایمایش که آن هم به زودی زود بر طرف خواهد شد. شورایی که قبلاً به نام «تصویب متن» وجود داشت، که گاه اشتباه ها سبب رنجش همکاران می شد، امروز

که فرج سر کوهی به منزل سمندریان می رود تا با او مصاحبه ای داشته باشد. به قول سمندریان سر کوهی تمام شیرینی ها و چای های موجود در منزل را می خورد و می رود. قرار بر آن می شود که سمندریان به صورت مکتوب به پرسش ها پاسخ دهد و برای مجله را سال کند؛ اما به جای یک متن منسجم و مرتب پرسش و پاسخ، او نامه ای می نویسد با عنوان «دیر خبر شدید، بحران تئاتر حل شد!» اشاره تیتز نامه به خاموشی و سکوت رسانه های وقت به موضوع تئاتر است. او در همان ابتدا به سر کوهی می گوید پرسش هایش تکراری است و بیان آن برای «چهار صدمین بار» منجر به کوچک ترین تغییر در سیاست های فرهنگی نمی شود.

اما سمندریان نمی خواهد اصطلاحاً سر کوهی را ببیچاند؛ بلکه با زیرکی در نامه هر آنچه دلش می خواهد را بیان



احسان زیور عالم

در دی ماه ۱۳۷۳، مجله آدینه اقدام به تهیه گزارشی درباره وضعیت تئاتر آن روز ه امی کند. برای این موضوع سردبیر وقت با سه شخصیت شاخص تئاتر ایران گفتگویی ترتیب می دهد: حمید سمندریان، علی نصیریان و خسرو حکیم رابط. بررسی گفته های هر سه پس از ۲۷ سال می تواند جذاب باشد؛ اما قابل توجه ترین گفتگو، آنی است که با حمید سمندریان ترتیب داده شده است. گفتگویی که اساساً گفتگو نیست و در آن سمندریان بدون هر گونه مباحثات، به نقد وضعیت تئاتر می پردازد، و وضعیتی که چندان متفاوت از امروز نیست. ماجرای گفتگو از آنجا آغاز می شود

کتاب

عباس صفاری، شاعر و مترجم ایرانی درگذشت

عباس صفاری شاعر معاصر در ۶۹ سالگی بر اثر کرونا در کالیفرنیا در گذشت.

صفاری زاده ۱۳۳۰ در یزد بود و از دهه ۷۰ به بعد در آمریکا زندگی می کرد. این شاعر دور از وطن، در سال ۱۳۹۴ تندیس جایزه دهمین دوره کتاب سال خبرنگاران را بخاطر مجموعه «شعر مثل جوهر در آب» از خبرنگاران حوزه ادبیات دریافت کرد.

«مثل جوهر در آب»، «پشیمانم کن»، «مثل خواب دم صبح»، «کبریت خیس»، «دور بین قدیمی و اشعار دیگر»، «خنده در برف» و... از جمله مجموعه اشعار منتشر شده این شاعر فقید است.

از جمله تر جمه های زنده یاد صفاری نیز می توان به این کتاب ها اشاره کرد: «عاشقانه های مصر باستان» از را یواند، «ماه و تنهایی عاشقان: ترجمه اشعار دو شاعره کلاسیک ژاپن، ایزومی کی بو، انونو کوماچی»، «کوچه فانوس ها» ترجمه شعر غنائی چین باستان، «عروس چوپان ها: داستان منظوم از دواج اینانا با دموزی» و...



هشتاد و نهمین شماره فصلنامه موسیقی ماهور ویژه پاییز ۹۹ منتشر شد. در این شماره

شماره ۸۹ فصلنامه ماهور منتشر شد

بررسی شهرت عمومی استاد شجریان در کنار موسیقی نخبه پسند او

فصلنامه که عکس روی جلد آن نیز به استاد شجریان اختصاص دارد در بخش «یاد یاران» مطلبی از بابک خضرائی منتشر شده است به یاد محمدرضا شجریان، با عنوان «مساله متناقض نمای شهرت عمومی این استاد فقید در کنار نوع موسیقی نخبه پسند او» که به اختصار، مطرح شده و نکته هایی را در این خصوص یادآور می شود. ضمن آنکه علاوه بر یادداشت فوق، هیات تحریریه نشریه ماهور علت اختصاص عکس روی جلد به استاد شجریان را چنین اعلام داشته است: «در فصل گذشته، یکی از مهم ترین

چهره های موسیقی ماند چنده ده اخیر از میان ما رفت. درگذشت محمدرضا شجریان، بی تردید، ضایعه ای بزرگ برای موسیقی کلاسیک ایرانی است. هیات تحریریه فصلنامه موسیقی ماهور فقدان این هنرمند بزرگ را به همه هم میهنان تسلیت می گوید.»

در شماره ۸۹ ماهور، سعید کردمافی، در بخش «گفتگو»ی این شماره، مصاحبه ای با طار ق عبدالله، نوازنده متبحر عود مصری انجام داده است. در این مصاحبه، تحولات متعدد و چشمگیر عود عربی از اواخر قرن هجدهم

میلادی تا دوره معاصر، مورد بررسی قرار گرفته است.

بخش «گزارش» این شماره حاوی دو مطلب است. مطلب اول، نوشته سیدحسین میثمی، کتابی با عنوان رهنمای موسیقی، نوشته ک. پرورش، که در سال ۱۳۱۷ منتشر شده است را مورد توجه قرار می دهد. مطلب دوم، نوشته سپینا حامدی نژاد، به معرفی دست نویس کتابی از علینقی وزیری می پردازد که تاکنون منتشر نشده است و از این منظر قابل توجه است. بابک خضرائی، در مقاله بعدی، نقش

ترکیبات جدیدی بسازید که پاسخ دهد آسان به سینه ریز و عطر کار تیه ی تو دلش را که جرئت نداشت بیازد

حالا پاک خودش را باخته است

باید ببینی اش

شبیه ریشوی ژنده پوشی شده است

در جزایر کارتون ها

با دستی سایبان چشم

زیر تکدرخت جزیره

اما جان به جانش کنی

انکار می کند انتظار تو را

تو هم دست کمی از او

نباید داشته باشی

یک دنده و لچباز

مثل بطری نامه بر دریا

تا سرت به سنگ نخورد

نم پس نمی دهی.

از مجموعه کبریت خیس؛

صص ۴۳-۴۲

